تغییر تدریجی صحنه روابط بین الملل

حسین طالبی / کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران / عضو انجمن علمی مطالعات جهان

نظام بین المللی و قواعد حاکم بر آن هنوز شکل واقعی را به خود نگرفته است اما گویا صحنه روابط بین الملل بتدریج در حال تغییر است. کشورهای اروپایی به این نکته واقف شده اند که منافع ملی خود را نباید در گروی سیاستهای خصمانه یک کشور با کشوری دیگر قرار دهند. افول سیاستهای دیکته شده امریکایی ها به تدریج باعث خواهد شد تا اروپا با توجه به بحران اقتصادی اخیر سیاستهای مستقلانه تری را اتخاذ کند این سیاستهای مستقلانه در دو سو تبلور خواهد یافت.

در سطح اتحادیه اروپایی: کشورهای اتحادیه اروپا بتدریج بر خلاف خط مشی ها ی افتصادی وسیاسی این اتحادیه حرکت خواهد کرد و این مهم در بخشی از کشورهای فقیر و برخی از کشورهای ثروتمند اروپا رخ خواهد داد. این مساله میتواند به تضعیف ساختارهای منطقه ای بیانجامد که پیامدهای آن برای سازمان های منطقه ای همچون آسه آن و سارک و شورای همکاری خلیج فارس بی تاثیر نخواهد بود. همچنین تزلزلی را در اندیشه های منطقه گرایی بوجود خواهد آورد.

در سطح بین المللی: دوری جستن از سیاستهای آمریکا که معمولا در صدد انتقال بحرانهای اقتصادی خود به دیگر نقاط جهان است در عرصه بازیگران بین المللی جهانی رقم خواهد خورد. این مساله می تواند موضوع همکاری اقتصادی وسیاسی اتحادیه فرا آتلانتیکی را نیز زیرسوال ببرد. رهیافتی این چنینی حتی می تواند سیاستهای اروپا وآمریکا را دچار تغییراتی در عرصه بین المللی سازد. در چنین سناریویی دیگر اروپا متعهد به پیگیری سیاستهای آمریکایی بویژه در صحنه ها و مناطق مختلف خاورمیانه و آفریقا و .... نخواهد بود .همچنین اروپایی ها محتملا از حمایت همه جانبه از رژیم صهیونیستی کوتاه خواهند آمد. زیرا شاید برای آمریکا حمایت از این رژیم منافعی را همچون نقش لابی صهیونیستی در انتخابات آمریکا در بر داشته باشد اما حمایت از این رژیم برای اروپایی ها تاکنون هیچ منافعی را در برنداشته وتنها متحمل پرداخت هزینه شده اند. آنها از یکسورضمن تسلیح این رژیم به فن آوریهای تسلیحاتی جدید هزینه تخریب منازل مسکونی فلسطینیان که توسط این رژیم نابود شده نیز پرداخت نموده اند. از سوی دیگر حمایت از رژیم صهیونیستی باعث شده تا مواضع دوگانه اروپا در عرصه بین المللی بیشتر به چشم آمده و قدرت نرم اروپا را مخدوش نموده است.

در عرصه همکاری با دیگر کشورها نیز اروپا احتمالا به همکاری بیشتر با چین و روسیه روی آورد و یا حداقل این اتحادیه به دوگروه معتقد به همکاری با چین وروسیه و کشورهایی که معتقد به ادامه همکاری با آمریکا هستند روبرو شود. زیرا منافع ملی کشورهای اروپایی در پی گیری سیاستهای واقع گرایانه جستجو کرد و سیاستهای نو واقع گرایانه برای منافع ملی اروپا مضر و بی فایده خواهد بود.

به نظر میرسد آهنگ نظام آینده بین الملل بسوی اتحادیه های نظامی و امنیتی مانند ناتو پیمان شانگهای وسازمانهای کوچکتر امنیتی منطقه ای گام بر خواهد داشت. واین پیمانها اهمیت وجایگاه مهمتری از اتحادیه های منطقه ای صرفا اقتصادی یافت خواهد نمود. در چنین حالتی تغییرات در نظام بین الملل می تواند بشرح ذیل صورت پذیرد:

بازیگران در سطح بین المللی: بازیگران بین الملل در چنین سطحی بشدت به یکدیگر وابسته خواهند بود. هرچند از لحاظ اقتصادی ممکن است مستقل تر باشند اما این احتمال وجود دارد که در امور امنیتی به یکدیگر بیشتر وابسته باشند. تفکر بازیگران نظام بین الملل اشتراک عقیده بر ممانعت از تحمیل باورها وعقایدی خواهد بود که می تواند منجر به ایجاد یک اردوگاه مسلط بیانجامد. نئوکانها با استفاده از ابزار های آرمانگرایی و حربه ایدئولوژی دموکراسی غربی روبه روز سعی دارند تا با گستره نفوذ خود در کشورهای منطقه خاورمیانه ،آفریقا و دیگر نقاط جهان منطقه نفوذ خود را گسترش دهند. اما یکه تازی آنها در صحنه وعرصه روابط بین الملی کاهش خواهد یافت. در منطقه خاورمیانه توافق امنیتی میان کشورهای عربی و جمهوری اسلامی ایران خواهد توانست نقش برجسته ای را برای کاهش نفوذ آمریکا و سایر دول غر بی ایفا کند.

وضعیت حاکم بر نظام بین الملل: قواعد حاکم بر نظام بین الملل از وضعیت تک قطبی خارج شده و بصورت چند اتحادیه ای در خواهد آمد. به نظر می رسد علاوه بر پیمان شانگهای و ناتو پیمانهای دیگری در سطح مناطق مختلفی مانند آفریقا و احتمالا آسیا را شاهد باشیم در چنین حالتی چهار پیمان نظامی و امنیتی کلان و چند پیمان امنیتی خرد منطقه ای می تواند گروه بندی ها را مشخص کند و رقابت ها در چارچوب چنین پیمانهایی شکل می گیرد. اما مهمترین پیمانهای موجود همان پیمانهای ناتو و شانگهای خواهد بود که می تواند جهان را بگونه دیگری به دوران دوقطبی ببرد. تفاوت در چنین وضعیتی استقلال بیشتر کشورهای عضو پیمان خواهد بود اما بر خلاف دوران دوقطبی کمتر از لحاظ ایدئولوژیکی اعضای این پیمانها تحت تاثیر هم قرار خواهد داشت. بلکه دغد غه های امنیتی و منافع مشترک اعضا این پیمانها را در کنار یکدیگر نگاه خواهد داشت. نخستین شاهد این موضوع اقدام مشترک روسیه و چین در حمایت از دولت سوریه است. آنها اجازه ندادند تا سوریه قربانی دیگر سیاستهای نئو کانهای آمریکایی شود. این وضعیت می تواند منجر به ایجاد یک نظام جدید در عرصه بین المللی شود که در چنین ظرفیتی روسیه و چین به همراه دیگر کشورها همچون ایران خواهند توانست نقش مهمی را در عرصه بین المللی ایفا کنند. ازسوی دیگر در عرصه اروپایی نیز به نظر می رسد کشورهای قدرتمند این منطقه نقش بیشتری را در عرصه سازمانهای بین المللی ایفا نمایند ومحتملا ایجاد یک پیمان دفاعی وامنیتی مشترک را نیز پی گیری و ادامه خواهند داد. بدین ترتیب با ظهور اتحادیه امنیتی مشترک خرد و کلان در عرصه بین المللی این اتحادیه ها خواهند بود که با یکدیگر در سطوح منطقه ای تعامل خواهد داشت. این نقش می تواند گاهی حتی فراتر از نقش سازمانهای بین المللی نیز باشد.

آهنگ حرکت نظام بین الملل به سوی اتحادیه های نظامی و امنیتی است

***

ایران، چین و روسیه نقش موثری در تحولات خاورمیانه و دفاع از سوریه دارند